

## مقاله‌ی پژوهشی

## مطالعه‌ی کیفی تجارب مادران از آموزش مسایل جنسی به دختران نوجوان با تاکید بر عوامل فرهنگی

## خلاصه

**مقدمه:** آموزش مسایل جنسی بسته به هنجارهای فرهنگی هر منطقه و کشور، متفاوت است. مطالعات زیادی نشان می‌دهند که والدین، نقش بسیار مهمی در صحبت کردن با کودکان در مورد مسایل جنسی ایفا می‌کنند و در این میان، جایگاه مادر بارزتر است و بیشتر نوجوانان به خصوص دختران، این مسایل را از مادران خود فرامی‌گیرند. پژوهش حاضر نیز با هدف درک عمیق تجارب مادران از آموزش مسایل جنسی به فرزندان دختر انجام شد.

**روش کار:** این پژوهش مطالعه‌ای کیفی از نوع پدیدارشناسی است. نمونه‌گیری با استفاده از روش مبتنی بر هدف و تا حد رسیدن به اشباع انجام گرفت. نمونه‌ی مطالعه ۱۳ مادر دارای فرزند دختر ۱۱ تا ۱۸ ساله‌ی ساکن در شهر مشهد بودند. برای جمع‌آوری اطلاعات از مصاحبه‌ی نیمه ساختاریافته استفاده شد و تحلیل داده‌ها به روش تحلیل محتوای مورس صورت گرفت.

**یافته‌ها:** در طی پژوهش ۴ مضمون اصلی که هر کدام حاوی طبقات و زیرطبقاتی بودند، استخراج شد. مضامین اصلی عبارت بودند از: "آموزش درباره‌ی بلوغ و قاعدگی"، "آموزش درباره‌ی رابطه‌ی جنسی"، "سن مناسب برای آموزش مسایل جنسی" و "فرد مناسب برای آموزش مسایل جنسی".

**نتیجه‌گیری:** با وجود تمام تحولات فرهنگی در خصوص آموزش مسایل جنسی در خانواده‌ها، هم‌چنان فرهنگ عرفی در جامعه و خانواده‌ها با بعضی جوانب آموزش مسایل جنسی با احتیاط برخورد کرده و مادران در این حیطه، احساس عدم کفایت می‌کنند. لذا طراحی و اجرای مداخلات آموزشی جهت ارتقای سطح آگاهی مادران و لزوم هماهنگی و همراهی خانه و مدرسه برای نتیجه‌گیری بهتر ضروری به نظر می‌رسد.

**واژه‌های کلیدی:** آموزش جنسی، دختران نوجوان، مادران

الهه عابدینی

دانشجوی دکتری تخصصی روان‌شناسی،  
دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

\*زهرا طیبی

دانشیار دانشکده‌ی علوم تربیتی و روان‌شناسی،  
دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

پرینا ضیایی

دانشجوی دکتری تخصصی روان‌شناسی،  
دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

شیوا زارع زاده خیبری

دانشجوی دکتری تخصصی روان‌شناسی،  
دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

\*مؤلف مسئول:

دانشکده‌ی علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه  
فردوسی مشهد، مشهد، ایران

tabibi@um.ac.ir

تاریخ وصول: ۹۴/۰۲/۱۰

تاریخ تایید: ۹۵/۰۲/۰۱

## پی‌نوشت:

این مطالعه با تایید گروه روان‌شناسی دانشکده‌ی علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد و بدون حمایت مالی نهاد خاصی انجام شده و با منافع نویسندگان رابطه‌ی نداشته است. از همکاری ریاست محترم کلینیک دانشکده‌ی علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد و شرکت کنندگان در این پژوهش سپاسگزاری می‌گردد.

## مقدمه

خانه، مدرسه و اجتماع فراهم می‌کنند (۳). در ایالات متحده آمریکا، نوجوانان اولین بار در مدارس راهنمایی در مورد مسایل جنسی به صورت رسمی آموزش می‌بینند اما در فرهنگ اسپانیایی/پرتغالی، افراد جوان تا قبل از بارداری هیچ آموزش رسمی‌ای درباره مسایل جنسی دریافت نمی‌کنند، این در حالی است که نرخ بارداری نوجوانان در این فرهنگ‌ها یعنی در کشورهای آمریکای لاتین بسیار بیشتر از هر نژاد دیگر و میزان بیماری‌های عفونی ناشی از ایدز و بیماری‌های مقاربتی در آنها بالا است. در کشورهای آمریکای لاتین، تجارب نوجوانان در مدارس راهنمایی نشان می‌دهد که سئوالات آنها در مورد مسایل جنسی، ناکام می‌ماند (۶).

مطالعه‌ی ماهاجان و شارما<sup>۴</sup> در جامعه‌ی هند نشان می‌دهد از آن جایی که صحبت درباره‌ی رابطه‌ی جنسی در این جامعه، تابو محسوب می‌شود، نوجوانان نمی‌توانند آزادانه با والدین خود در این باره صحبت کنند و راهنمایی بگیرند. به علاوه، نوجوانانی که سعی می‌کنند با والدین خود در ارتباط با کنجکاوی‌های جنسی خود صحبت کنند در بیشتر موارد ناکام می‌مانند زیرا والدین از صحبت درباره‌ی مسایل جنسی با فرزند خود، طفره می‌روند و یا قادر نیستند که پاسخ‌های رضایت‌بخشی ارائه دهند. بنا به این دلایل، نوجوانان برای به دست آوردن اطلاعات جنسی خود به سمت اینترنت، کتاب‌ها و دوستان خود می‌روند که احتمال دریافت پاسخ‌های نامعتبر و اشتباه از این منابع وجود دارد و این سوءتعبیرها و کژفهمی‌ها در ارتباط با مسایل جنسی می‌تواند در طول زندگی فرد باقی بماند. بنابراین این محققان بیان می‌کنند که این نیاز وجود دارد که اطلاعات جنسی به نوجوانان از طریق منابع معتبر انتقال داده شود تا از این طریق بتوانند با تغییرات دوران نوجوانی بهتر کنار بیایند (۷).

مطالعه‌ی دیگری که توسط شتی، کولی و پاتیل<sup>۵</sup> در هند صورت گرفته است نشان داد که مادران علاقه‌ای نداشتند که درباره‌ی آموزش جنسی با دختران خود صحبت کنند. آنها معتقد بودند که دختران تنها باید درباره‌ی قاعدگی با مادر خود صحبت کنند. با این حال این مادران قبول داشتند که مهم است تا دختران‌شان درباره‌ی دخول و دیگر جوانب مربوط به آموزش جنسی آگاه شوند ولی صحبت درباره‌ی این مسایل را خجالت‌آور توصیف نمودند (۲).

مطالعه‌ی رفتار جنسی در کشورهای در حال توسعه، تحت تاثیر نگرش‌های متفاوت و گاهی متضادی در طول تاریخ بوده است و به دلیل محدودیت‌های فرهنگی، معرفی و کاربرد آموزش جنسی در مدارس این کشورها صورت نمی‌پذیرد و صحبت والدین درباره‌ی مسایل جنسی در

آموزش جنسی<sup>۱</sup> فرایندی طولانی است که از طریق آن، افراد اطلاعات و دانش لازم را در مورد مسایل جنسی کسب می‌کنند و عقاید، نگرش‌ها و ارزش‌های خود را در این رابطه تشکیل می‌دهند. این نوع آموزش به تمام ابعاد جنسیت مانند ابعاد زیستی، فرهنگی-اجتماعی، روان‌شناختی و مذهبی توجه می‌کند و به حوزه‌های شناختی (اطلاعات، دانش)، عاطفی (احساسات، ارزش‌ها و نگرش‌ها) و رفتاری (مهارت‌های ارتباطی و تصمیم‌گیری) مربوط می‌شود (۱). آموزش جنسی، اصطلاحی گسترده است که برای توصیف آموزش درباره‌ی کالبدشناسی انسان که شامل یک عضو جنسی یا دیگر قسمت‌های بدن که در تولید مثل نقش دارند، از آن استفاده می‌شود. هم‌چنین شامل اطلاعات پایه درباره‌ی دخول، سلامت تناسلی، ارتباطات عاطفی، روش صحیح استفاده از وسایل پیشگیری از بارداری، قاعدگی، بارداری و دیگر جوانب رفتار جنسی انسان است. این آموزش در گسترش آگاهی درباره‌ی سقط جنین و بیماری‌های مقاربتی نقشی اساسی ایفا می‌کند (۲).

محققین در زمینه‌ی آموزش جنسی به این توافق دست یافته‌اند که صحبت کردن با کودکان در مورد اعمال و روابط جنسی به این معنا نیست که فعالیت‌های جنسی را در بین جوانان افزایش خواهد داد. بلکه شواهد، عکس این روند را نشان می‌دهند (۳). در جوامعی که به نفع وجود آموزش‌های جنسی در مدارس، سیاست‌گذاری شده است، تاثیر این آموزش‌ها را در تاخیر فعالیت‌های جنسی نوجوانان گزارش کرده‌اند (۴). وندربرگ<sup>۲</sup> و همکاران بیان می‌کنند که هم تربیت جنسی رسمی و هم آموزش جنسی توسط والدین، با تاخیر در ظهور رفتارهای جنسی در نوجوانان، تعداد شرکای جنسی کمتر و افزایش استفاده از کاندوم و سایر روش‌های کنترل بارداری مرتبط است (۵). بنابراین بسیاری از کارشناسان موافق افزایش آموزش‌های جنسی جامع هم از طریق منابع رسمی و هم از طریق والدین هستند که به نوجوانان در گرفتن تصمیمات سالم جنسی کمک کرده و رفتارهای پرخطر جنسی را کاهش می‌دهند. در یک زمینه‌یابی که هاو<sup>۳</sup> درباره‌ی تاثیر خانواده بر رفتار جنسی نوجوانان به انجام رساند، مشخص شد که نگرش‌های مادرانه‌ی محافظه‌کارانه درباره‌ی رابطه‌ی جنسی، بلوغ یا رفتار جنسی را به تعویق می‌اندازد (۲).

با این حال، آموزش جنسی بسته به هنجارهای فرهنگی هر منطقه و هر کشور می‌تواند متفاوت باشد. کشورهایی هم‌چون هلند، گشودگی زیادی برای صحبت با کودکان و نوجوانان در مورد مسایل جنسی نشان داده و فرصت‌هایی برای بحث در این مورد و ارائه‌ی منابع سلامت جنسی در

<sup>۴</sup>Mahajan and Sharma<sup>۵</sup>Shatty, Kowli and Patil<sup>۱</sup>Sexual Education<sup>۲</sup>Vanderberg<sup>۳</sup>Hovell

شان و ۷۲ درصد آن‌ها هرگز با پدران‌شان در مورد مسایل جنسی صحبت نکرده‌اند (۳).

به این ترتیب مطالعات زیادی پیشنهاد می‌کنند که والدین نقش بسیار مهمی را در صحبت کردن با کودکان‌شان در مورد مسایل جنسی ایفا می‌کنند، در این میان، جایگاه مادر بارزتر از دیگران است و بیشتر نوجوانان رفتارهای بهداشتی را از مادران خود فرا می‌گیرند (۱۰، ۳، ۱). تاثیر آموزش‌های جنسی مبتنی بر خانواده بر سلامت نوجوانان و ارتباط صحیح کودک و والدین قویا نشان داده شده است (۱۱).

در ایران، مطالعات محدودی در این زمینه انجام شده است. مطالعه‌ای در ایران نشان داد که سطح دانش دختران درباره‌ی بلوغ و نگرش و رفتارهای صحیح بهداشتی آن‌ها نسبت به این پدیده، بسیار پایین‌تر از حد انتظار است که این امر به علت عدم انتقال اطلاعات صحیح از والدین به دختران می‌باشد (۱۲). هم‌چنین بنا بر یک مطالعه، میانگین میزان توجه خانواده‌های شهر اصفهان به حوزه‌های اصلی تربیت جنسی یعنی بهداشت جنسی، اخلاق جنسی و آینده‌ی جنسی، پایین‌تر از سطح متوسط است. نتایج حاصل از این تحقیق، در مجموع بیانگر ناتوانی خانواده‌ها در زمینه‌ی تربیت جنسی فرزندان خود است (۱۳). صادق مقدم و همکاران در سال ۱۳۸۴ نیازهای آموزش جنسی والدین را به روش توصیفی-تحلیلی بررسی کردند و نتایج نشان داد که تنها ۲۵/۹ درصد مادران قادر به پاسخگویی صحیح به سئوالات فرزندان‌شان بودند. نتایج، اهمیت آموزش و توانمندسازی مادران را نشان می‌دهد (۱۴). مطالعه‌ی دیگری در کرمان نشان می‌دهد که اکثریت والدین، نگرش منفی نسبت به آموزش جنسی نوجوانان‌شان داشتند. نتایج این مطالعه، تغییر نگرش در سطوح اجتماعی و افزایش اطلاعات والدین در این زمینه را پیشنهاد می‌کند (۱۵). کلاتری و همکاران در مطالعه‌ای در خصوص تجارب مادران گرگانی از آموزش بلوغ و مسایل جنسی به دختران‌شان نتیجه می‌گیرند که با وجود تمام تحولات فرهنگی در خصوص موضوع بلوغ در جامعه‌ی ایران، هم‌چنان فرهنگ عرفی غالب در جامعه و خانواده‌ها با موضوع بلوغ با احتیاط شدید و به صورت خاموش برخورد می‌کند (۱۲).

مطالعات ذکر شده نشان می‌دهد که نگرش والدین به آموزش مسایل جنسی در سطحی پایین یا متوسط قرار دارد و از طرفی به دلیل ضعف سیستم آموزش رسمی در مدارس نیز تنها منبع رسمی برای انتقال این اطلاعات، والدین و به خصوص مادران خواهند بود. لذا کشف نگرش‌های واقعی والدین نسبت به نوع اطلاعاتی که در مورد مسایل جنسی برای فرزندان‌شان فراهم می‌کنند و تاثیرپذیری ایده‌های آن‌ها از باورهای فرهنگی و مذهبی در این مورد ضروری به نظر می‌رسد. بنابراین این

فرزندان خود، امری غیر عادی محسوب می‌شود. این نوع نگرش‌ها مدت‌ها است که در جوامع رو به رشد، سیطره دارد. والدین دلیلی نمی‌بینند که فرزندان‌شان در ارتباط با دخول جنسی و تولید مثل یاد بگیرند و بیشتر بدانند و به نظر می‌رسد که این موضوع از نقطه نظر جامعه یک تابو محسوب می‌شود اما آن‌ها بر این واقعیت صحنه می‌گذارند که برای نوجوانان بسیار مهم است که درباره‌ی تغییرات گوناگونی که در دوران نوجوانی رخ می‌دهد و تمایل آن‌ها را به سمت فعالیت جنسی بیشتر می‌کند، بدانند. دوران نوجوانی، یک مرحله‌ی مهم از زندگی است. فقدان دانش مناسب می‌تواند به حاملگی‌های ناخواسته، سقط جنین و بیماری‌های مقاربتی منجر شود. نوجوانانی که صحبت درباره‌ی این مسایل را با والدین خود، سخت ارزیابی می‌کنند، به سمت منابع دیگری مانند فیلم‌ها، اینترنت، کتاب‌ها و غیره می‌روند تا بیشتر بدانند. این منابع امکان دارد که اطلاعات صحیحی را در اختیار فرد نگذارد و منجر به آشفتگی فرد شود. بنابراین، بهتر است که اطلاعات صحیح و کافی از طریق منابع رسمی به نوجوانان منتقل شود (۲).

دیالارد اشاره کرده است که تغییرات مهمی در نگرش والدین درباره‌ی آموزش مسایل جنسی به فرزندان‌شان به وجود آمده است. با ورود به قرن بیست و یکم، نگرش والدین از منفی به مثبت تغییر جهت داده است و بیشتر والدین معتقدند که آموزش مسایل جنسی باید در نظر گرفته شود تا نوجوانانی که از لحاظ جنسی فعال شده‌اند، در امان بمانند (۲). اما با این وجود، پژوهش ویره‌را، فرناندز و ویره‌را<sup>۱</sup> بیانگر ناتوانی و مشکلات مختلف والدین و خانواده‌ها در زمینه‌ی تربیت جنسی فرزندان خود و درخواست و انتظار آن‌ها از مراکز آموزشی برای توجه به این حوزه است. پژوهشگران مذکور، بر مبنای دیدگاه‌های والدین گزارش کرده‌اند که آن‌ها نسبت به انتقال و آموزش مسایل جنسی به فرزندان خود دارای اعتماد و اطمینان کافی نبوده و ترجیح می‌دهند که مدارس و معلمان حرفه‌ای این کار را انجام دهند (۸).

پیشگیری از بارداری نوجوانان نمی‌تواند تنها از طریق افزایش آگاهی و آموزش جنسی در مدارس مورد توجه قرار گیرد. در واقع، میزان زیادی از آموزش بهداشت یا سلامت جنسی از خانواده آغاز می‌شود (۳). والدین به طور خاص بهترین افراد برای آموزش در مورد باورهای خانوادگی در مورد روابط صمیمانه و جنسی به فرزندان‌شان هستند (۹). در زمینه‌یابی‌های سالانه بسیاری از کودکان والدین‌شان را به عنوان یک منبع مهم برای تربیت جنسی می‌شناسند. این در حالی است که مطالعات عملی دریافته‌اند که یک‌سوم دختران با والدین‌شان در مورد قاعدگی تا قبل از شروع آن، گفتگو نمی‌کنند و ۴۳ درصد نوجوانان هرگز با مادران-

<sup>1</sup>Vieira, Fernandes and Vieira

پژوهش با هدف درک عمیق تجارب مادران از آموزش مسایل جنسی به دختران نوجوانشان انجام شد.

### روش کار

برای کشف نگرش والدین نسبت به تربیت جنسی فرزندانشان از روش تحقیق کیفی و از نوع پدیدارشناسی<sup>۱</sup> استفاده شد. روش تحقیق کیفی برای به دست آوردن اطلاعات عمیق و غنی از شرکت کنندگان مفید است و در آن به کلیت پدیده‌های انسانی توجه می‌شود، بنابراین مناسب-ترین روش برای مطالعه‌ی تجارب انسانی محسوب می‌شود (۱۲). در مطالعه‌ی پدیدارشناسی نیز پژوهشگر اطلاعات را از افرادی که آن پدیده‌ی خاص را تجربه کرده‌اند جمع‌آوری کرده و به توصیفی مرکب در مورد جوهره‌ی تجربه از دید تمامی افرادی که تجربه‌شان را توصیف نموده‌اند، می‌رسد. به نوعی پدیدارشناس بر وجه مشترک تجارب افراد در مورد آن پدیده‌ی خاص تمرکز دارد. می‌توان عنوان نمود که هدف اصلی پدیدارشناسی، کاهش تجارب افراد متعدد در مورد پدیده‌ی مورد بررسی به سمت یک توصیف بنیادی اساسی در مورد آن پدیده است (۱۶).

جامعه‌ی تحقیق تمام مادران نوجوانان دختر ۱۱ تا ۱۸ ساله‌ی ساکن شهر مشهد بودند. در این مطالعه از روش نمونه‌گیری مبتنی بر هدف<sup>۲</sup> برای انتخاب شرکت کنندگان استفاده شد. در این روش، پایه‌ی انتخاب فرد برای شرکت در پژوهش، اطلاعات غنی او از پدیده‌ی مورد نظر و هدف گردآوری اطلاعات است (۱۷). از آن جا که در این طرح هدف آن نبود که نتایج را به جمعیتی که نمونه از آن استخراج شده است، تعمیم دهیم بلکه هدف کشف گسترده‌ای از تجارب والدین بود، لذا نمونه‌گیری تا زمان رسیدن به حد اشباع، ادامه یافت، به طوری که پس از سه مصاحبه که در آن‌ها داده‌ها تکرار داده‌های قبلی بود، نمونه‌گیری خاتمه یافت. به این ترتیب نمونه‌ی پژوهش حاضر از ۱۳ نفر از مادران دختران ۱۱ تا ۱۸ ساله‌ی تشکیل شده است که در محیط‌های عمومی شهر مشهد حضور داشتند. فرایند نمونه‌گیری به این شیوه بود که از طریق اطلاع‌رسانی در گروه‌های فضای مجازی از مادرانی که واجد شرایط بودند برای شرکت در پژوهش دعوت به عمل آمد. ملاک‌های ورود به پژوهش علاوه بر داشتن حداقل یک فرزند دختر ۱۱ الی ۱۸ ساله، تمایل به انجام مصاحبه و بیان تجربه‌های خود در مورد آموزش مسایل جنسی بود.

برای جمع‌آوری داده‌ها از روش مصاحبه‌ی نیمه‌ساختاریافته استفاده شد که به دلیل فراهم آوردن مکالمه‌ای انعطاف‌پذیر و اکتشافی در پژوهش‌های کیفی مناسب است (۱۸). قبل از اجرای مصاحبه، برای هر فرد

مصاحبه‌شونده توضیح مختصری درباره‌ی پژوهش توسط پژوهشگران ارائه شد و شرکت کنندگان فرمی شامل اطلاعاتی در مورد سن، تحصیلات، وضعیت تاهل، مدت تاهل، وضعیت شغلی و سن دختر نوجوانشان را پر کردند. ملاحظات اخلاقی در انجام این مصاحبه‌ها از سوی تیم پژوهشی به منزله‌ی موضوعی مهم مورد توجه بود چرا که ناشی از طبیعت و حساسیت حوزه‌ای از زندگی اجتماعی است که بسیاری از افراد آن را حوزه‌ای خصوصی می‌دانند لذا پس از اخذ مجوز از شورای اخلاقی گروه روان‌شناسی دانشکده‌ی علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد، در جریان مصاحبه‌ها نیز رعایت تعهد اخلاقی به صورت رضایت آگاهانه، محرمانه بودن داده‌ها، حق کناره‌گیری در زمان دلخواه و اجازه‌ی ضبط صدا به تایید کتبی مشارکت کنندگان رسید.

سؤال اصلی مصاحبه این بود که "آیا در رابطه با مسایل جنسی با دختر خود صحبت می‌کنید؟ چرا؟". و پس از آن از سؤال‌های کاوشی برای عمیق‌تر شدن مصاحبه‌ها و استخراج تجربه استفاده شد. مصاحبه‌ها توسط یکی از پژوهشگران تحقیق حاضر انجام شدند و تمام مصاحبه‌ها ضبط صوتی شده و هم‌زمان توسط اعضای تیم پژوهش از متن مصاحبه‌ها یادداشت‌برداری شد. پس از آن مصاحبه‌های یادداشت‌برداری شده توسط مصاحبه‌کنندگان کنترل شد تا اشتباهات آن‌ها اصلاح گردد. مصاحبه‌ها در کلینیک دانشکده‌ی علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد انجام شد و هر مصاحبه به طور متوسط ۴۵ تا ۶۰ دقیقه به طول انجامید. در ضمن به شرکت کنندگان فرصت پی‌گیری تماس چنان چه بخواهند اطلاعات بیشتری از تجاربشان را در اختیار بگذارند، داده شد.

جهت تحلیل داده‌ها از روش تحلیل محتوای مورس<sup>۳</sup> استفاده شد. تحلیل محتوا جایگاه ارزشمندی در پژوهش‌ها دارد و روش مناسبی برای پژوهشگران در روش کیفی است. در این روش محتوای نوشتارها برای استخراج درون‌مایه‌های اصلی و الگوهایی که در بین داده‌ها وجود دارند مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند. به این منظور پژوهشگر: ۱- مصاحبه‌ها را در چند نوبت به دقت گوش می‌دهد و متن دست‌نوشته‌ها را چندین بار مرور می‌کند. ۲- متن نسخه‌برداری شده چندین بار روخوانی و قسمت‌های مهم از سایر قسمت‌ها متمایز می‌شوند. ۳- قسمت‌های مهم به کوچک‌ترین واحدهای تشکیل‌دهنده و معنی‌دار (تم یا درون‌مایه) شکسته می‌شود. ۴- فهرستی از تم‌ها تهیه، سپس این کلمات مرور می‌شوند تا شباهت در معنا و مفهوم آن‌ها روشن و مشخص گردد و بر اساس محوریت بین تم‌ها، در یک زیرطبقه قرار می‌گیرند. ۵- در ادامه‌ی همان جریان کاهشی و استقرایی، زیرطبقه‌های مربوط به هم در یک طبقه قرار

<sup>1</sup>Phenomenological

<sup>2</sup>Purposive Sampling

<sup>3</sup>Morse Content Analysis

۲ نفر کارشناسی ارشد، ۲ نفر دارای مدرک دکترا و ۲ نفر پزشک بودند. ۶ نفر از مادران، شاغل و بقیه خانه‌دار بودند.

از متن مصاحبه‌های انجام شده با مادران ۴ مضمون اصلی شامل آموزش درباره‌ی بلوغ و قاعدگی، آموزش درباره‌ی رابطه‌ی جنسی، سن مناسب برای آموزش مسایل جنسی و فرد مناسب برای آموزش مسایل جنسی، استخراج شد. هر یک از این مضامین به طبقات و زیرطبقاتی تقسیم شده‌اند که در شکل ۱ هر یک از آن‌ها ذکر شده‌اند.

وقتی از مادران پرسیده می‌شد که آیا در رابطه با مسایل جنسی با دختران نوجوان‌شان صحبت می‌کنند یا نه؟، آن‌ها معمولاً به طور صریح و مشخص به مسئله‌ی بلوغ و به طور خاص قاعدگی در دختران‌شان آغاز به پاسخ دادن می‌کردند و سپس وقتی توسط مصاحبه‌کننده به سمت صحبت راجع به سایر مسایل جنسی مثل لزوم یا عدم لزوم آگاهی از رابطه‌ی جنسی و سایر جوانب رفتار جنسی هدایت می‌شدند، آن‌گاه راجع به ضرورت یا عدم ضرورت چنین آموزش‌هایی صحبت کرده و دلایل خود را بیان می‌کردند. با پیشروی مصاحبه نیز به تدریج تجارب و ایده‌ی آن‌ها در خصوص سن مناسب برای چنین آموزش‌هایی به طور کلی و فرد مناسب به عنوان کسی که باید این مسایل را با دختر نوجوان‌شان مطرح کند، هم‌چنین شیوه‌هایی که مناسب می‌دانند، به دست آمد.

می‌گیرند. این مرورها، لغزیدن طبقات روی یکدیگر و ادغام‌ها در بین نوشته‌های اولیه و طبقه‌های نهایی، آن قدر تکرار می‌شود تا در نهایت پژوهشگران به ثبات قابل قبول در بین داده‌ها و احساس رضایت درباره‌ی طبقه‌ها و زیرطبقه‌ها برسند (۱۲).

به منظور رعایت قابلیت اعتماد به تحلیل پژوهش فوق از روش‌های زیر استفاده شد: الف- بازنگری مشارکت‌کنندگان<sup>۱</sup> برای تایید و اصلاح احتمالی کدها و طبقه‌بندی‌ها. به این ترتیب که از ۵ نفر از شرکت‌کنندگان خواستیم تا بازخوردهای خود را به تفسیر داده‌ها ارایه کرده و تصدیق کنند که آیا تفسیرهای ما منعکس‌کننده‌ی تجارب آن‌ها هست یا نه؟ ب- رعایت حداکثر گوناگونی در نمونه‌ها، تحلیل هم‌زمان داده‌ها و بازخورد برای تکمیل پژوهش و دادن زمان کافی و مناسب برای جمع‌آوری داده‌ها (۱۸).

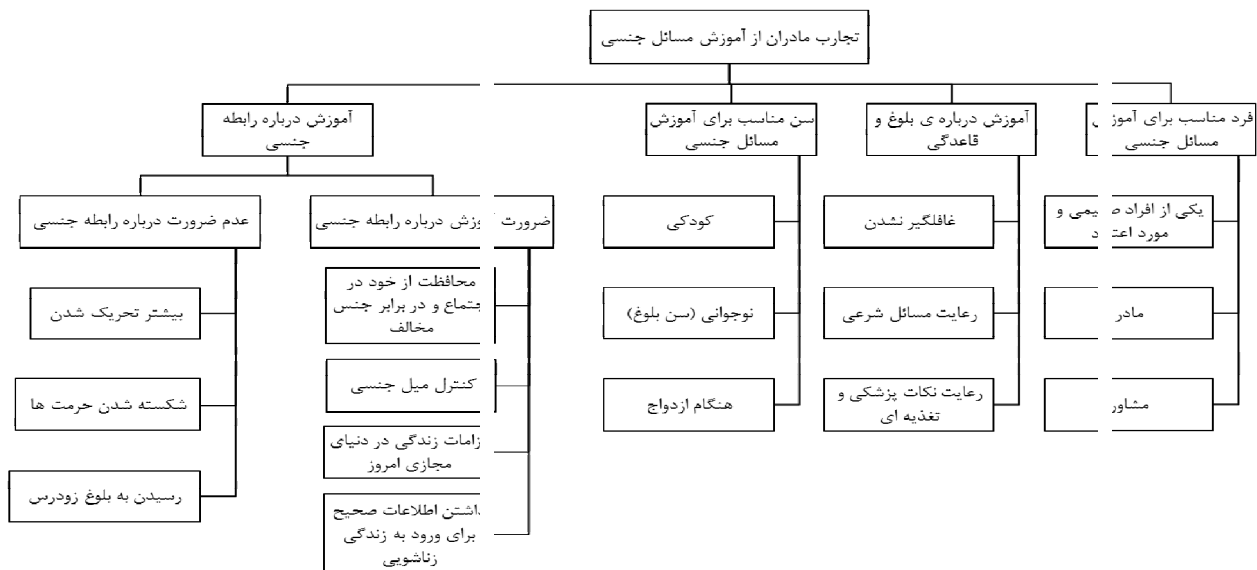
### نتایج

نمونه‌ی مادران شرکت‌کننده در پژوهش حاضر دارای میانگین سنی ۴۰/۳۷ سال با انحراف معیار ۴/۶۷ سال بودند. میانگین مدت زمان تاهل آن‌ها ۱۵/۰۲ سال با انحراف معیار ۳/۲۶ سال بود. هم‌چنین میانگین سنی دختران نوجوان ۱۳/۳۷ سال با انحراف معیار ۱/۲۹ سال بود. تعداد ۲ نفر از مادران دارای مدرک تحصیلی سیکل، ۲ نفر دیپلم، ۳ نفر کارشناسی،

<sup>۱</sup>Participant Checking

<sup>۲</sup>Maximum Variation of Sampling

شکل ۱- مضامین، طبقات و زیرطبقات تجارب مادران از آموزش مسایل جنسی به دختران نوجوان



به طور خاص قاعدگی بر عهده می‌گرفتند و حتی تجربه‌ای که خود مادر در زمان به بلوغ رسیدن و قاعدگی داشته است (این که چگونه مطلع

الف- آموزش درباره‌ی بلوغ و قاعدگی: مادران به طور ناخودآگاه مسئولیت آماده کردن فرزند دختر خود را برای ورود به مرحله‌ی بلوغ و

بودن که به علت اطلاعات فراوانی که از طریق دنیای مجازی به خصوص اینترنت و سایر رسانه‌ها به فرزندان‌شان منتقل می‌شود، ضروری است که آن‌ها نیز به عنوان یک مرجع قابل اعتماد این اطلاعات را به طور صحیح در اختیار فرزندان‌شان قرار دهند. به عنوان مثال مادری مطرح کرد که: "در دنیای امروز بچه‌ها به اینترنت و فضای مجازی دسترسی دارند و اطلاعات مربوط به مسایل به سمت اون‌ها سرازیر میشه و اگر من در این رابطه بهش هیچ چیزی نگم ممکنه اطلاعات اشتباهی از جای دیگه‌ای بهش داده بشه" و یا مادری دیگر می‌گفت: "فرهنگ غرب از طریق ماهواره و اینترنت به کشور ما رسیده، من باید دخترم رو متوجه این تفاوت‌ها در مورد رابطه‌ی با جنس مخالف بکنم".

۱/۲) محافظت از خود در اجتماع و در برابر جنس مخالف: مادران به سبب ترس از صدمات روانی و جسمی در مقابل جنس مخالف و آسیب‌پذیر بودن فرزندان‌شان به علت کم‌اطلاعی، نگرانی‌هایی در مورد فرزند دختر خود دارند و برای مثال مطرح می‌کردند که: "دخترم لازمه بفهمه که چطور باید از بدنش مراقبت کنه و توی جامعه هم ممکنه بهش در این موارد پیشنهاداتی بشه به همین خاطر بهتره که در مورد این روابط بدون" و یا "باید این جور مسایل رو بدون تا گول نخوره و مورد آزار و اذیتی قرار نگیره".

۱/۳) کنترل میل جنسی: تعداد کمی از مادران این مسئله را مطرح می‌کردند که بالاخره فرزندان‌شان در این دوران دچار امیال جنسی خواهند شد و اگر آن‌ها راجع به این گونه مسایل با دختران‌شان صحبت کنند، در مقابل، آن‌ها نیز راحت‌تر امیال خود را کنترل خواهند کرد. برای مثال مادری بیان کرد که: "وقتی من راجع به مسایل جنسی با دخترم صحبت می‌کنم می‌تونم بهش کمک کنم و اطلاعات صحیحی در این مورد بدم که چطور امیالش رو کنترل کنه".

۱/۴) داشتن اطلاعات صحیح برای ورود به زندگی زناشویی: بعضی از مادران صحبت راجع به رابطه‌ی جنسی را برای آمادگی و پذیرش نقش جنسیتی در فرزندان‌شان ضروری می‌دانستند و اغلب در این خصوص به تجارب خود در این مورد رجوع می‌کردند. مثلاً یکی از مادران بیان داشت که: "من رو که عروس کردن مامانم هیچی بهم نگفته بود و خیلی حس بدی داشتم و آسیب خوردم و دوست ندارم که دخترم هم این حس رو تجربه کنه و لازمه که آماده‌ش کنم". مادری دیگر نیز در این مورد گفت که: "باید در مورد این روابط تا اندازه‌ای بدون و آمادگی داشته باشه تا بتونه از بودن با همسرش لذت بیره و راحت‌تر نیازهای اون رو هم برآورده کنه".

۲) عدم ضرورت آموزش درباره‌ی رابطه‌ی جنسی:

۲/۱) شکسته شدن حرمت‌ها: بعضی از مادرانی که لزومی برای

شده، توسط چه کسی، در چه هنگامی و چه حسی به او داده شده) در انتقال مسایل مربوط به بلوغ به دختر خود، بسیار تاثیرگذار بوده است. به عنوان مثال مادری مطرح کرد که: "مادرم هنگام بلوغ خودم بهم گفت که تو دیگه برای خودت خانم شده‌ای و من هم سعی کردم همان حس خوب اعتماد به نفس و غرور را به دخترم منتقل کنم" و یا مادری دیگر بیان داشت: "چون خودم خیلی از این اتفاق در عذاب و خجالت بودم، دوست نداشتم دخترم هم این حس‌های بد را تجربه کند و به او گفتم این مسئله‌ای طبیعی است و برای هر دختری اتفاق می‌افتد". این مضمون اصلی عمده‌ی دلایلی که مادران از ضرورت آموزش بلوغ و قاعدگی به دختران‌شان مطرح می‌کردند، سه طبقه‌ی زیر را شامل شد:

۱- غافلگیر نشدن: اغلب مادران آماده نمودن دختران‌شان را برای قاعدگی از وظایف خود دانسته و آن‌ها را قبل از ورود به سن بلوغ به منظور غافلگیر نشدن از این اتفاق آماده می‌کردند. مثلاً یکی از مادران بیان داشت: "برای این که ترسه وقتی این اتفاق افتاد و جانخوره و بدونه که چیز عجیب و غریبی اتفاق نیفتاده".

۲- رعایت مسائل شرعی: یکی از موضوعاتی که در آموزش مادران در این دوران عمومیت داشت، رعایت نکات شرعی اسلامی بود. مانند این که: "به او گفتم که در این دوره نمی‌تواند نماز بخواند و پس از آن نیز باید حتماً غسل کند"، "بهش توضیح دادم که چطور نجسی و پاکی رو رعایت کنه".

۳- رعایت نکات پزشکی و تغذیه‌ای: مادران هنگام آموزش در مورد قاعدگی به مسایل بهداشتی، طول مدت این دوره، رعایت برنامه‌ی غذایی خاص و ... اشاره می‌کردند. مثلاً مادرها این گونه بیان می‌کردند که: "به دخترم توضیح دادم که درد کمر و شکم در این دوران طبیعی و بهتره غذای سرد نخوره" یا "در مورد طول مدت قاعدگی، مسایل بهداشتی مثل مدت زمان استحمام و تعویض نوار بهداشتی برایش توضیح دادم".

ب- آموزش درباره‌ی رابطه‌ی جنسی: مادران معمولاً به طور خودآگاه به تجارب خود از آگاهی دادن راجع به رابطه‌ی جنسی و مسایل مربوط به آمیزش جنسی یا سایر جنبه‌های رفتارهای جنسی با مصاحبه‌کننده صحبت نمی‌کردند، مگر هنگامی که راجع به ضرورت مطرح کردن چنین مسایلی از آن‌ها سؤال می‌شد که بر مبنای پاسخ "آری" یا "نه" آن‌ها به این پرسش، این مضمون اصلی به دو طبقه‌ی "ضرورت آموزش درباره‌ی رابطه‌ی جنسی" و "عدم ضرورت آموزش درباره‌ی رابطه‌ی جنسی" تقسیم شد که هر یک از آن‌ها بر مبنای دلایل ارایه شده از سوی مادران به زیرطبقاتی که در ادامه می‌آیند تقسیم شدند.

۱) ضرورت آموزش درباره‌ی رابطه‌ی جنسی:

۱/۱) الزامات زندگی در دنیای مجازی امروز: بعضی از مادران معتقد

"احساس می‌کنم کنجکاوی‌ش درباره‌ی مسایل جنسی نسبت به دو سال قبلش کاملاً بیشتر شده و الان زمان مناسبی که اطلاعات صحیح بگیره" و یا "آموزش‌های لازم از نوجوانی کمک می‌کنه که بتونه از خودش مراقبت کنه و با مسایلی که باهاشون مواجه میشه درست کنار بیاد".

۳- زمان ازدواج: تمام مادرانی که ضرورتی برای آموزش درباره‌ی رابطه‌ی جنسی نمی‌دیدند، معتقد بودند که این آموزش باید تا زمان آمادگی برای ازدواج به تعویق بیفتد. برای مثال مادری مطرح کرد که: "دخترم از طریق کلاس‌هایی که در دانشگاه یا قبل از ازدواج برای آن‌ها گذاشته می‌شود با این مسایل آشنا می‌شود و زودتر از این زمان نیازی نیست".

د- فرد مناسب برای آموزش مسایل جنسی: مادران در پاسخ به این سؤال که "چه کسی را برای آموزش مسایل جنسی مناسب می‌دانند و چرا؟" به دلایل مختلف، افراد متفاوتی را مناسب‌ترین فرد می‌دانستند که بر مبنای پاسخ‌های آن‌ها این مضمون اصلی شامل سه طبقه‌ی مجزا می‌شود که در ادامه می‌بینید.

۱- مادر: بعضی از مادران معتقد بودند که خودشان به خوبی از عهده‌ی این وظیفه برمی‌آیند و می‌توانند به طوری که نیاز و صلاح می‌دانند این مسایل را با دختران‌شان مطرح کرده و پاسخگوی سئوالات آن‌ها باشند. به عنوان مثال مادری بیان کرد که: "من خودم این مسایل رو باهاش مطرح می‌کنم تا زمینه‌ی اعتمادش فراهم بشه و اگر مسئله‌ای براش پیش اومد بتونه بیاد به خودم بگه چون هیچ کس نزدیکتر از من به اون نیست".

۲- مشاور: خیلی از مادران به دلیل نداشتن اطلاعات کافی در این زمینه‌ها و نشناختن نیاز فرزندان‌شان، مشاوران مدرسه و متخصصین را مناسب‌ترین افراد برای آموزش این مسایل می‌دانستند. برای مثال مادری مطرح کرد که: "من اطلاعات کافی و به‌روزی در این زمینه ندارم و نمی‌دونم که دقیقاً چطور بهتره که این صحبت‌ها رو باهاش بکنم و خیلی بهتره که یک مشاور یا متخصص در این زمینه بهم کمک کنه".

۳- یکی از افراد صمیمی و مورد اعتماد خانواده: تعداد کمی از مادران مطرح کردند که به علت وجود صمیمیت بیشتر بین دخترشان و یکی از افراد خانواده یا فامیل و یا به دلیل خجالت و حیای خودشان در صحبت کردن راجع به این مسایل با فرزندشان، ترجیح می‌دهند که یکی از افراد خانواده که البته مورد اعتمادشان هم هست این کار را بکند. برای مثال مادری مطرح کرد: "اون با خاله‌ش رابطه‌ی نزدیکی داره و بیشتر مسایلیش رو در این مورد با اون مطرح می‌کنه و من روم نمیشه با بچه‌م در مورد مسایل جنسی صحبت کنم".

## بحث

پژوهش حاضر با هدف درک عمیق تجربه‌ی مادران از آموزش مسایل

آموزش‌های مستقیم درباره‌ی رابطه‌ی جنسی نمی‌دیدند، این را مطرح می‌کردند که فرزندان‌شان به طور غیر مستقیم از طریق دوستان و آشنایان، کتاب‌ها، فیلم‌ها و ... با این مسایل آشنا می‌شوند و دلیل ندارد که آن‌ها با مطرح کردن این مسایل، حریم بین خود و فرزندان‌شان را بشکنند. به عنوان مثال: "الان دخترها و پسرها از ما به این مسایل واردترند و پررو میشه اگر من هم در مورد این مسایل باهاش صحبت کنم" و یا "جایگاه من به عنوان مادر، خدشه‌دار میشه و پرده‌ی حیای بین ما از بین میره".

۲/۲) رسیدن به بلوغ زودرس: تعدادی از مادران مطرح کردن مسایل مربوط به رابطه‌ی جنسی را ضروری نمی‌دانستند چون معتقد بودند که عدم آگاهی از این مسایل، بلوغ را به تعویق می‌اندازد و در مقابل مطلع شدن از این گونه روابط سبب بلوغ زودرس در دختران‌شان خواهد شد. به عنوان مثال مادری مطرح کرد: "اگر من در مورد این روابط چیزی بهش بگم باعث میشه زودتر بالغ بشه".

۲/۳) بیشتر تحریک شدن: برخی از مادران معتقد بودند که صحبت از این مسایل برای فرزندان‌شان مشغله و درگیری فکری ایجاد می‌کند و سبب تحریک جنسی آن‌ها می‌شود. به عنوان مثال آن‌ها مطرح کردند که: "اگر در این مورد باهاش صحبت کنم مثل این می‌مونه که بهش اجازه بدم در مورد این مسایل فکر کنه و خودش رو تحریک کنه" و یا: "بهره این مسایل خاموش بمونه چون باز کردن اون‌ها براش باعث میشه توی تخیلات فرو بره و بیشتر تحریک بشه و کنترلش هم سخت‌تر بشه".

ج- سن مناسب برای آموزش مسایل جنسی: مادران در مورد آموزش مسایل مختلف جنسی، مقاطع سنی مختلفی را مناسب می‌دانند و برای آن‌ها دلایل مختلفی را مطرح می‌کنند که بر اساس همین دلایل این مضمون به سه طبقه تقسیم شده است:

۱- کودکی: تعداد کمی از مادران معتقدند آموزش درباره‌ی بعضی از مسایل جنسی ابتدایی مثل تفاوت‌های کالبدشناسی دو جنس، ازدواج و بچه‌دار شدن باید از دوران کودکی آغاز شود. به عنوان مثال مادری مطرح می‌کرد: "صحبت کردن در مورد این مسایل باید از کودکی شروع بشه و متناسب با هر مقطع از زندگی ادامه پیدا کنه، من واقعا وقتی کوچیک بود و می‌پرسید بچه از کجا دنیا میاد نمی‌دونستم چی بهش بگم" و یا مادری دیگر بیان کرد: "دختر من از کودکی با مشاهده‌اتی که از آمیزش حیوانات داشت به طور خیلی ابتدایی با این مسایل آشنا شد و فکر می‌کنم همین آموزش‌ها بابی شد برای این که ما در این زمینه‌ها رابطه‌ی خوبی با هم داشته باشیم".

۲- نوجوانی (سن بلوغ): بعضی از مادران نیز سن بلوغ و نوجوانی را به واسطه‌ی ویژگی‌ها و ماهیتی که دارد مناسب‌ترین سن برای مطرح کردن مسایل جنسی می‌دانستند. برای مثال مادران مطرح می‌کردند که:

دنیای مجازی امروز" و دسترسی به اینترنت و سایر رسانه‌ها را دلیلی می‌دانستند بر این که باید به عنوان یک مرجع قابل اعتماد، در مقابل اطلاعاتی صحیح در اختیار فرزندان‌شان قرار دهند. این در حالی است که مطالعه‌ی ماهاجان و شارما در جامعه‌ی هند نشان می‌دهد که نوجوانان پس از ناکامی در دریافت اطلاعات جنسی از والدین برای به دست آوردن این گونه اطلاعات خود به سمت اینترنت و سایر منابعی می‌روند که احتمال دریافت پاسخ‌های نامعتبر و اشتباه از آن‌ها وجود دارد (۷). با وجود این که برخی مادران از جمله دلایل "ضرورت آموزش درباره‌ی رابطه‌ی جنسی" را "کنترل میل جنسی" فرزندان‌شان می‌دانستند ولی عمده‌ی دلایل مطرح شده از سوی مادرانی که ضرورتی برای آموزش درباره‌ی رابطه‌ی جنسی نمی‌دیدند، "رسیدن به بلوغ زودرس" و "بیشتر تحریک شدن" بود که می‌تواند نشانگر کمبود اطلاعات در این مادران و یا تاثیرات باورهای غلط فرهنگی باشد. زیرا نتایج تحقیقات در فرهنگ‌های غربی نشان می‌دهد که نه تنها صحبت با کودکان در مورد این مسایل، فعالیت‌های جنسی را در بین جوانان افزایش نمی‌دهد بلکه آن را به تاخیر می‌اندازد (۵-۳).

یکی از نتایج حایز اهمیت در پژوهش حاضر این است که در حالی که اکثر مادران "سن مناسب برای آموزش مسایل جنسی" را دوره‌ی بلوغ و نوجوانی می‌دانستند ولی برخی از مادران اعتقاد داشتند آموزش درباره‌ی این مسایل باید از دوره‌ی کودکی به طور ابتدایی آغاز شود که زمینه‌ی لازم را در تعاملات مادر و کودک برای آموزش بیشتر در مقاطع بعدی فراهم می‌کند. هم‌سو با این یافته، تاثیر آموزش‌های جنسی مبتنی بر خانواده بر سلامت نوجوانان و ارتباط صحیح کودک و والدین قویا نشان داده شده است (۱۱).

با وجود این که برخی از مادران در آموزش درباره‌ی مسایل جنسی احساس کفایت می‌کردند اما بسیاری از مادران پژوهش حاضر در پاسخ به "فرد مناسب برای آموزش مسایل جنسی"، "مشاور" را مطرح کرده و علل آن را کمبود اطلاعات خود در این زمینه و ناآگاهی از شیوه‌های صحیح انتقال اطلاعات در این مورد بیان می‌کردند. نتیجه‌ای که در سایر مطالعات در این زمینه گزارش شده است و نشان داده‌اند که بر مبنای دیدگاه‌های والدین، آن‌ها ترجیح می‌دهند که مدارس و معلمان حرفه‌ای نسبت به انتقال و آموزش مسایل جنسی به فرزندان‌شان اقدام کنند (۸،۲۱). البته قابل ذکر است که تعداد کمی از مادران نیز به دلیل شرم و حیا ترجیح می‌دادند که افرادی مورد اعتماد به فرزندان‌شان در این زمینه-ها آموزش دهند، عاملی که در مطالعات دیگر نیز به آن اشاره شده است و می‌توان آن را ناشی از عوامل فرهنگی دانست (۲،۱۲). پژوهش حاضر، مقدمه‌ی کوچکی است بر موضوع وسیع آموزش

جنسی به دختران نوجوان‌شان انجام شد و یافته‌های آن که تحت تاثیر باورهای فرهنگی و مذهبی شرکت‌کنندگان قرار داشت، در قالب ۴ مضمون اصلی ارایه گردید. این مضامین عبارتند بودند از: "آموزش درباره‌ی بلوغ و قاعدگی"، "آموزش درباره‌ی رابطه‌ی جنسی"، "سن مناسب برای آموزش مسایل جنسی" و "فرد مناسب برای آموزش مسایل جنسی".

آغاز بحث آموزش درباره‌ی مسایل جنسی با مسئله‌ی بلوغ و به طور خاص قاعدگی و در واقع مضمون "آموزش درباره‌ی بلوغ و قاعدگی" نشانگر این است که در حال حاضر این مادران هستند که به صورت غیر رسمی وظیفه‌ی آموزش بلوغ دختران را بر عهده دارند. این در حالی است که مطالعاتی نیز در این زمینه نشان می‌دهند که مادران جایگاه مشخصی در صحبت با فرزندان‌شان در این مورد دارند و بیشتر نوجوانان رفتارهای بهداشتی را از مادران خود فرامی‌گیرند (۱۹، ۱۲، ۱۰، ۱۳، ۱). از طرف دیگر، تاکید اولیه‌ی مادران شرکت‌کننده در پژوهش بر مسئله‌ی بلوغ و قاعدگی در پاسخ به این که "چگونه در رابطه با مسایل جنسی با دختران‌شان صحبت می‌کنند؟"، می‌تواند به طور تلویحی نشان‌دهنده‌ی این باشد که در دوره‌ی نوجوانی مسئله‌ی بلوغ و قاعدگی سایر جنبه‌های مسایل جنسی را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد، در حالی که بنا بر تعریف‌های ارایه شده‌ی آموزش جنسی شامل اطلاعات پایه درباره‌ی رابطه‌ی جنسی، سلامت تناسلی، روش صحیح استفاده از وسایل پیشگیری از بارداری، آگاهی درباره‌ی سقط جنین و ... نیز می‌شود (۲) اما برای مادران در اولویت آموزشی قرار ندارد و گاهی به دلیل موانع فرهنگی و آموزش-های مذهبی در مورد حدود روابط با جنس مخالف کمتر مورد تاکید قرار می‌گیرد.

در مطالعه‌ی حاضر یکی از طبقات مضمون "آموزش درباره‌ی بلوغ و قاعدگی"، رعایت مسایل شرعی بود که نشانگر تاثیر عوامل مذهبی در جهت‌دهی آموزش مادران می‌باشد، به طوری که در مطالعه‌ی دیگر نیز نشان داده شده است که از نیازهای ضروری دوران بلوغ می‌باشد (۲۰).

یکی از نتایج جالب توجه در پژوهش حاضر این است که بعضی از مادران "محافظت از خود در اجتماع و در برابر جنس مخالف" را از جمله دلایل "ضرورت آموزش درباره‌ی رابطه‌ی جنسی" مطرح کرده‌اند، در حالی که در مطالعه‌ی نوری سیستمی و مرقاتی خوبی بیان شده است که با وجود نگرانی ذهنی مادران در این مورد آن‌ها از آموزش درباره‌ی این روابط طفره رفته و آن را آخرین اولویت آموزش جنسی می‌دانستند (۲۰). هم‌چنین در مورد دلیل دیگری که برخی از مادران در مورد "ضرورت آموزش درباره‌ی رابطه‌ی جنسی" در مطالعه‌ی حاضر مطرح کرده‌اند، همین طور است، به این ترتیب که آن‌ها "الزامات زندگی در



باشم.

در این ارتباط با فرزند خود صحبت کرده‌اید؟ چرا؟ بلی/نه؟

- چه توضیحاتی برایش داده‌اید؟

- موقع توضیحات شما چه احساسی در فرزندتان ایجاد شد؟

- حس شما به عنوان یک زن به مسئله‌ی قاعدگی چیست؟

- (پیدا کردن پلی در بین صحبت‌های مادر برای مطرح کردن مسئله‌ی

جنسی، به عنوان مثال: "از دنیای خصوصی بین خودتان و دخترتان و

نواحی خصوصی که هر کسی نباید آن را ببیند گفتید؟ در این دنیای

خصوصی هیچ گاه در ارتباط با مسایل جنسی که مربوط به نواحی

خصوصی او می‌شود، صحبت کرده‌اید؟"

- بیشتر در ارتباط با چه مسایلی با او صحبت کردید؟

- چه نیازی است که فرزند شما در ارتباط با مسایل جنسی، آگاهی

داشته باشد؟

- به نظر شما سن مناسب برای آموزش مسایل جنسی به فرزندتان چه

زمانی است؟ چرا؟

- اگر او در ارتباط با مسایل جنسی، شروع کننده‌ی بحث نباشد، آیا شما

برای پرداختن به این مسایل، پیش قدم می‌شوید؟

- به نظر شما یک والد باید چه ویژگی‌هایی داشته باشد تا فرزندش

بتواند در ارتباط با سؤالات خود در حیطه‌ی جنسی از او کمک بگیرد؟

- نظر شما درباره‌ی انتقال این مطالب از طریق مدرسه و مشاور چیست؟

- تصور کنید فرزند شما در ارتباط با میل جنسی بالای خود با شما

صحبت می‌کند و بیان می‌کند که آزاردهنده شده است... چه راهکاری به

او پیشنهاد می‌دهید؟

- فکر می‌کنید فرزند شما در ارتباط با مسایل جنسی کنجکاو دارد؟

چگونه به کنجکاو او پاسخ می‌دهید؟ از چه منابعی این کنجکاوای خود

را ارضا می‌کند؟

والدینی که در ارتباط با مسایل جنسی با فرزندان خود صحبت نمی‌کنند

چه دلایلی را ارائه می‌دهند؟

مسایل جنسی، به یقین شناخت دقیق‌تر این مسئله، مستلزم پژوهش‌های بیشتر در این حیطه است. در پژوهش حاضر فقط به مسئله‌ی مذکور از منظر مادرانی که دختر ۱۱ تا ۱۸ ساله داشته و در برخی از مناطق شهر مشهد ساکن بودند، پرداخته شد. هم‌چنین از آن جا که موضوع مسایل جنسی در جامعه‌ی ما از نظر فرهنگی و اجتماعی دارای حساسیت خاصی است، برخی از مادران از بیان کامل تجارب خود در مصاحبه خودداری کردند که از جمله‌ی محدودیت‌های این پژوهش می‌باشد. طراحی و اجرای مداخلات آموزشی جهت ارتقای سطح آگاهی مادران و لزوم هماهنگی و همراهی خانه و مدرسه در این راستا برای نتیجه‌گیری بهتر پیشنهاد می‌گردد. هم‌چنین پیشنهاد می‌شود که در طرح‌های پژوهشی آتی به منظور افزودن بر غنای داده‌ها از تجربه‌های نوجوانان از آموزش‌های والدین‌شان نیز استفاده شود و پسران نیز مورد پژوهش قرار گیرند.

### نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که با وجود تمام تحولات فرهنگی در خصوص آموزش مسایل جنسی در خانواده‌ها که نمونه‌هایی از آن در مادران پژوهش حاضر ملاحظه شدند، هم‌چنان فرهنگ عرفی در جامعه و خانواده‌ها با بعضی جوانب آموزش مسایل جنسی با احتیاط شدید برخورد می‌کند. به طوری که با وجود این که بسیاری از مطالعات نشانگر نقش برجسته‌ی مادران در آموزش این گونه مسایل می‌باشند، مادران در این حیطه، احساس عدم کفایت می‌کنند.

### ضمیمه

نمونه سؤالات مصاحبه‌ی نیمه‌ساختار یافته‌ی اجرا شده در پژوهش همان طور که می‌دانید فرزند شما دوران کودکی را پشت سر گذاشته است و وارد دنیای جدیدی به نام "نوجوانی" شده است، دنیایی متفاوت با آن چه تا کنون تجربه کرده است با سؤالات بسیار... یکی از تغییراتی که فرزند ما در دوران نوجوانی با آن مواجه می‌شود مسئله‌ی بلوغ است و در ارتباط با دخترها مسئله‌ی خاص، قاعدگی است... دوست داشتم با شما گپ و گفتگویی در مورد تجربیات خود و فرزندتان از این موضوع داشته

### References

1. Goldman JD. An exploration in health education of an integrated theoretical basis for sexuality education pedagogies for young people. *Health Educ Res* 2011; 26(3): 526-41.
2. Nagpal AN, Fernandes C. Attitude of parents toward sex education. *The Int J Indian Psychol* 2015; 2(4): 38-43.
3. Walker JL. A qualitative study of parents' experiences of providing sex education for their children: The implications for health education. *Health Educ J* 2001; 60(2): 132-46.
4. Sulak PJ, Herbelin SJ, Fix DDA, Kuehl TJ. Impact of an adolescent sex education program that was implemented by an academic medical center. *Am J Obstet Gynecol* 2006; 195(1): 78-84.
5. Vanderberg RH, Farkas AH, Miller E, Sucato GS, Akers AY, Borrero SB. Racial and/or ethnic differences in formal sex education and sex education by parents among young women in the United States. *J Pediatr Adol Gynec* 2016; 29(1): 69-73.
6. Villar ME, Concha M. Sex education and cultural values: experiences and attitudes of Latina immigrant women. *Sex Educ* 2012; 12(5): 545-54.

7. Mahajan P, Sharma N. Parent's attitude towards imparting sex education to their adolescent girls. *Anthropologist* 2005; 7(3): 197-9.
8. Vieira I, Fernandes O, Vieira RX. T10-P-16 Evaluation of parents as partners in sex education. *Sexologies* 2008; 17: S154.
9. Jackson E. Puberty and sex education resources for children with developmental disabilities. Ph.D. Dissertation. California, USA: Humboldt State University, 2014: 1-72.
10. Kakavoulis A. Family and sex education: a survey of parental attitudes. *Sex Educ: Sex Soc Learn* 2001; 1(2): 163-74.
11. Abolghasemi N, Merghati-Khoi E, Taghdisi M. Establishing Iranian students' sex education from the viewpoint of health instructors of elementary schools. *J Pub Health Facul Inst Health Res* 2010; 8(2): 27-39.
12. Kalantari S, Ghana S, Sanagou A, Mahasti-Jouybari L. [Puberty and sex education to girls: Experiences from mothers in Gorgan]. *Health promotion management* 2013; 2(3): 74-90. (Persian)
13. Amini M, Tamannai-Far M, Pashai R. Investigating the existential necessity of and the way to approach sex education in high school curriculum from the viewpoints of teachers and students. *Scientific research journal of Iranian Association Curic Studies* 2011; 1(1): 169-202.
14. Sadegh Moghaddam L, Askari F, Akbari A, Mazloum S, Keramati A. [A comparison of natural sexual behaviors in 2- to 7-year-old girls and boys in Gonabad and how mothers approach these behaviors]. *Horizon of science* 2005; 11(4): 48-53. (Persian)
15. Forouzi M, Mohammad-Alizadeh S. [The attitude of parents in Kerman toward sex education in 2003. *Scientific research journal of Yazd University of Medical Sciences* 2007; 15(2): 93-9. (Persian)
16. Hellisaz M, Panaghi L, Mazaheri M, Hosseini F. [Child upbringing values of mothers with 3- to 5-year-old children]. *Culture strategies* 2015; 29: 121-48. (Persian)
17. Gal M, Burg W, Gal J. *Quantitative and qualitative research methodology in education and psychology*. 4<sup>th</sup> ed. Tehran: Samt; 2008: 77-89.
18. Housman H. [A practical guide to qualitative research]. 5<sup>th</sup> ed. Tehran: Samt; 2014: 122-45. (Persian)
19. Soltan-Ahmadi Z, Borhani F, Kohan M. Menarche experience in students. *J Qual Res Health Sci* 2012; 1(2): 81-91.
20. Nouri-Sistani M, Merghati-Khoi E. [The impact of peer-based education on the health-related bodily function of girls during puberty]. *Scientific research journal of Arak University of Medical Sciences* 2009; 4(49): 129-35. (Persian)
21. Rembeck GI, Hermansson E. Transition to puberty as experienced by 12-year-old Swedish girls. *J School Nurs* 2008; 24(5): 326-34.